



آیا مراوده با کسانی که رعایت احکام شرعی نمی‌کنند جایز است؟

باید توجه داشت که دین را تنها از رساله نمی‌توان شناخت بلکه دستورات فراوان اخلاقی و تربیتی وجود دارد که آن‌ها را باید از کتاب‌های اخلاق و روایات، یافت.

باید توجه داشت که دین را تنها از رساله نمی‌توان شناخت بلکه دستورات فراوان اخلاقی و تربیتی وجود دارد که آن‌ها را باید از کتاب‌های اخلاق و روایات، یافت.

به گزارش خبرنگار مهر، صحیفه سجادیه کتابی حاوی ۵۴ دعا از امام سجاد (ع) است. این کتاب پس از قرآن و نهج البلاغه مهم‌ترین میراث مکتوب شیعه به حساب می‌آید و به نام‌های خواهر قرآن و «انجیل اهل بیت» نیز مشهور است. صحیفه مانند قرآن و نهج البلاغه از نظر فصاحت و بلاغت مورد توجه قرار گرفته است. امام سجاد (ع) بسیاری از معارف دینی را در دعاهای خود بیان می‌کند.

صحیفه سجادیه تنها شامل راز و نیاز با خدا و بیان حاجت در پیشگاه وی نیست، بلکه مجموعه‌ای مشتمل بر بسیاری از علوم و معارف اسلامی است که در آن مسائل عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و پاره‌ای از قوانین طبیعی و احکام شرعی در قالب دعا بیان شده است.

در بخش ارتباط با خداوند طبق مقتضای زمان‌های مختلف و احوال گوناگون دعاهایی بیان شده است، برخی دعاهای آن به صورت سالانه، همچون دعای عرفه و وداع ماه رمضان، و برخی ماهانه، مانند دعای دیدن هلال، و برخی هفتگی و برخی برای هر شبانه روز قرار داده شده است.

دعای چهل و چهارم صحیفه سجادیه از دعاهای مأثور از امام سجاد (ع) که آن را می‌خواند. امام سجاد (ع) در این دعا وظایف مؤمن واقعی را بیان می‌کند و از خدا درخواست دارد که از شر شیطان در امان باشد.

حضرت زین العابدین در ابتدای این دعا، خدا را به دلیل دادن مقام شکر به بندگان سپاس گزار است و از خدا درخواست پاک شدن گناهان و رسیدن به مقام صالحان را دارد.

آنچه پیش رو دارید گزیده‌ای از سخنان حضرت آیت الله علامه مصباح یزدی در دفتر مقام معظم رهبری است که در سال ۸۷ ایراد شده است. قسمت شانزدهم آن را با هم می‌خوانیم:

وجوب شرعی و وجوب اخلاقی

«وَوَفَّقْنَا فِيهِ لِأَنْ تَصِلَ أَرْحَامَنَا بِالْبِرِّ وَالصَّلَاةِ، وَ أَنْ نَتَعَاهَدَ جِيرَانَنَا بِالْإِفْضَالِ وَالْعَطِيَّةِ، وَ أَنْ نُحْلِصَ أَمْوَالَنَا مِنَ التَّبِعَاتِ، وَ أَنْ نُطَهِّرَهَا بِخُرَاجِ الزُّكُوتِ»، حضرت امام سجاد (ع) در آغاز درخواست‌ها، توفیق برای خواندن نماز - طبق سنت پیغمبر اکرم (ص) و در اوقاتی که خدای متعال مقرر فرموده - را از خداوند طلب نمودند. در بخش دوم از درخواست‌ها، آن حضرت به مسائل اخلاقی و مالی می‌پردازد. امام سجاد (ع) از خدای متعال می‌خواهند که خدایا به ما توفیق بده تا در این ماه رمضان صله رحمت داشته باشیم و با خویشاوندان خود پیوند برقرار نمائیم و به همسایگان رسیدگی کنیم و حقوقی که به اموال ما تعلق گرفته، بپردازیم و با پرداخت زکات، مال خود را پاک کنیم.

انجام وظایف مالی، در تزکیه انسان نقش به‌سزایی دارد. در شریعت مقدس اسلام، پس از نماز و حفظ ارتباط با خدا، به انجام تکالیف مالی بسیار سفارش شده است. در قرآن وقتی به یک سلسله رفتارها یا خلقیات سفارش و امر می‌شود به این معنا نیست که همه آن سفارش‌ها در یک سطح هستند.

ممکن است مجموعه‌ای از امور که در یک آیه ذکر شده‌اند، بعضی از آن‌ها واجب و بعضی دیگر مستحب باشند. علاوه بر آن ممکن است بعضی از این عناوین مصادیق گوناگونی داشته باشد به این معنا که هم مصادیق واجب و هم مصادیق مستحب داشته باشد. باید توجه داشت که لفظ واجب در روایات، فراتر و اعم از لفظ واجب است که در فقه بکار می‌رود. بعضی از امور در روایات به عنوان واجب ذکر شده، در صورتی که با یقین روشن است، وجوب فقهی ندارد. درباره غسل جمعه، در روایات تعبیر واجب نقل شده اما عده بسیار اندکی از علما، بر وجوب غسل جمعه، فتوا داده‌اند.

بعضی از فقها در این باره احتیاط نموده و گفته‌اند: «احتیاطاً غسل جمعه ترک نشود»؛ اما تعبیر در روایات، این است که غسل جمعه

واجب است. در روایات ذکر صلوات در هنگام شنیدن نام پیغمبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)، واجب شمرده شده و حتی تأکید شده که اگر کسی با شنیدن نام آن بزرگواران صلوات نفرستد، عاق اهل بیت خواهد شد، همچون فرزندی که از پدر و مادر خود عاق شود. اما فقها بر وجوب آن فتوا نداده اند. بر همین اساس تعبیراتی که در روایات وجود دارد، نباید موجب این تصور شود که مسائل رسائل عملیه و فتوای فقها با روایات و قرآن هماهنگ نیستند. در روایات و قرآن تعبیر به صورت عام تری به کار رفته است.

قرآن، هم قانون، هم تربیت

روش قرآن کریم این نیست که، مسائل حقوقی یا واجبات را جدای از مسائل اخلاقی ذکر کند. یک سلسله مسائل حقوقی وجود دارد که قاضی باید در دادگاه براساس آن قوانین، حکم کند، اما نحوه بیان و تعبیرات آیات قرآن و روایات شریفه، همچون حکم قانون و حکم دادگاه نیست. به عنوان مثال می فرماید: اگر همسرانتان را در یک شرایطی طلاق دادید و مصلحت زندگی شما و آنها در این بود که از هم جدا شوید، نفقه آنها را بدهید و زنان نیز چهار ماه و ده روز عده بگیرند. در قرآن پس از بیان این حکم حقوقی، در یک موعظه اخلاقی کوتاه، بر تقوا و عدم تجاوز از احکام الهی و حاضر دانستن خدا، تأکید می شود.

این روش تربیتی قرآن است. روایات نیز همین گونه هستند. در روایات، واجبات دقیقاً از مستحبات تفکیک نشده است. احکام حقوقی و احکام اخلاقی نیز تفکیک نشده اند و به این شکل نیست که آیات و روایات در بخشی به احکام قضائی و در بخشی به احکام اخلاقی بپردازند. قرآن از آن جهت که کتاب هدایت و تربیت می باشد، به این شکل تنظیم یافته است. خداوند متعال نزول قرآن را، در این قالب مصلحت دانسته؛ است.

فقه و تفکیک موضوعات و احکام

کار فقها، تنها فهم لغوی روایات و آیات نیست، بلکه استنباط احکام از منابع فقهی است. این احکام در زمینه های گوناگون باید استنباط شوند تا کتاب قانون، از یک طرف و احکام عبادی از طرف دیگر و همچنین ابعاد گوناگونی همچون مسائل اخلاقی، مسائل تربیتی و مسائل اجتماعی تبیین شوند.

اگر فقها این تفکیک را انجام ندهند، یک مسلمان در انجام تکلیف الهی، ممکن است دچار مشکل شود. تصور کنید برای نماز زمان بسیار اندکی باقی مانده است و هر لحظه امکان قضا شدن نماز وجود دارد. اگر انسان بخواهد همه مستحبات را انجام دهد چند رکعت نماز، خارج از وقت انجام می شود. در این لحظه نمازگزار باید به واجبات اکتفا کند.

اگر به واجبات و مستحبات علم نداشته باشد، نمی داند که باید چه کار کند. اینکه واجب است که نمازگزار کوتاه و مختصر به واجبات نماز بپردازد تا همه نماز در وقت خوانده شود و تشخیص واجبات از مستحبات مسئله ای است که فقها با استنباط از منابع فقهی به آن پی می برند.

همه اسلام، رساله نیست!

البته باید توجه داشت که مسائل تربیتی و اخلاقی غیر از مسئله رسائل عملیه یا کتاب قانون است. مسائل تربیتی را باید از متن قرآن و بیانات اهل بیت (ع) یاد گرفت. در این کریمه نورانی قرآن آمده است: «وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَ لَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ»؛ فقها در برخی از بخش های این آیه هیچ وجوبی را دریافته اند. انسان اگر در سفر با کسی همسفر شد، همسفر حقوقی بر انسان پیدا کرده، باید رعایت حال او را نموده و با او به نرمی و مهربانی روبه رو شده و در توشه راه او را شریک کرده و احتیاجات او را برآورده سازد. این ها مجموعه ای از حقوقی است که همسفر بر عهده انسان پیدا می کند. اما این حقوق مثل احسان به والدین واجب نیست که تکلیف واجب برشمرده شود.

در این فراز از دعا نیز هنگامی که از ارحام و نزدیکان و همسایگان نام برده می شود، برای آن است که اهمیت فوق العاده رسیدگی به آنان را یادآور شود که در قرآن و روایات به آن سفارش جدی شده است. یک مسلمان نباید تنها به رساله عملیه اکتفا نموده و فقط به انجام واجبات و ترک محرمات ذکر شده در آن بپردازد.

اگر همه رساله های عملیه را بررسی و جست و جو کنید، بخشی درباره احسان به والدین یا صله رحم را در آن، کمتر می یابید. در حالی که احسان به والدین و صله ارحام، از واجب ترین واجبات است. این مسئله نشانه نقص رساله های عملیه نیست بلکه برای آن است که رساله های عملیه، برای نیازهای روزمره مردم نوشته شده تا بدانند در زندگی به چه احکامی عمل کنند. نباید فراموش کرد که همین مجموعه احکام اولیه و رساله ها با زحمات و تلاش فراوان فقها و مراجع والا قدر، تهیه می شوند.

شکر الله مساعیهم! ولی باید توجه داشت که دین را تنها از رساله نمی توان شناخت بلکه دستورات فراوان اخلاقی و تربیتی وجود دارد که آن ها را باید از کتاب های اخلاق و روایات، یافت. احکام با شرایط روز باید تبیین شوند. از سوی دیگر علما و بزرگان و دلسوزان دین نیز نباید تنها به احکام رساله اکتفا کنند بلکه باید اجتهادها و تحقیقات را نسبت به سایر ارزشهای دینی توسعه دهند. جامعه امروز بسیار نیازمند آن است تا احکام خانواده تبیین شود. به عنوان مثال زن و مرد به عنوان همسر، چگونه باید با هم رفتار کنند؟ برخی از افراد احکام و حقوق واجب فقهی؛ خود را به خوبی نمی دانند.

ممکن است یک مرد با شنیدن این روایت که «اگر سجده برای غیر خدا جایز بود، به زن ها امر می کردم، برای شوهران خود سجده کنند»؛ تصور کند، در خانه می تواند همچون یک دیکتاتور عمل کرده و هرچه خواست با خشونت و تندی اعمال نماید. نخست باید دید که این روایت تا چه اندازه صحت دارد. در صورت صحیح بودن روایت آن سوی هم مسئله نباید فراموش شود. اسلام می فرماید: «مرد حتی حق ندارد به همسر خود بگوید یک لیوان آب برای من بیاور یا غذا فراهم کن!»؛ این نیز حکم خداست.

این ها روایاتی است که جنبه اخلاقی دارد. بر فرض صحیح بودن؛ سند آن روایت، آشکارا مشخص است که بنا بر مسامحه گفته شده و در آن قید شرعی و تکلیف وجود ندارد. متأسفانه برخی از افراد براساس سلیقه شخصی و هوس به برخی از روایات تکیه می کنند و از سوی دیگر روایاتی که با منفعت آنان سازگار نیست را نمی پذیرند.

اسلام ناب، نه افراط، نه تفریط

با تأسف باید گفت که فرهنگ غرب به تدریج در جامعه جای فرهنگ اسلامی را می گیرد. باید به گونه ای عمل کرد که جوانان امروز و نسل آینده تصور نکنند، احکام دین خدا در زندگی امروز دیگر کار بردی نداشته و به کار نمی آید.

نباید با افراط و تفریط و برخی تصورات غلط، احکام اسلام را به گونه ای نشان داد که جامعه به این نتیجه برسد که اسلام دیگر پاسخگوی زندگی جدید و کنونی نیست و باید به فرهنگ غرب و دنیای کفر رو آورد. ما در برابر اسلام به وظیفه خودمان، درست عمل نکرده ایم.

اسلام را آن گونه که هست، باید بدون افراط و تفریط و با توجه به مسائل اجتماعی به خوبی تبیین نمائیم تا برداشت های غلط باعث دوری جوانان از اسلام نشود. البته از این بیان نباید سو استفاده شود و با نگاه روشن فکری خیال شود که زن و فرزند آزاد هستند که به هر شکلی می خواهند، زندگی کنند و هیچ محدودیتی نباید برای آنان، به وجود بیاید.

این نگاه با اسلام هیچ سازگاری ندارد. اسلام برای رفتار انسان ها مرزها و محدوده هایی تعیین نموده است که به جاست علما و فقهای اسلام، با مطرح شدن مسائل روز، آنها را برای مردم تبیین نمایند.

صله ی رحم

نیکی به والدین از واجب ترین واجبات به شمار می آید. آیا اگر فرزندی بخواهد از محسنین و نیکوکاران و «بارّین بالوالدین»؛ به شمار آید، چه اموری بر او واجب است تا رعایت کند و چه اموری بر او حرام است که اگر مرتکب آنان شود، دچار عقوبت والدین می شود؟ یا در موضوع صله رحم وقتی گفته می شود «اللهم صل من وصلتی و اقطع من قطعنی»؛ خدایا! هر آن کس که به من بیبوندد، با او پیوند داشته باش و هر آن کس که پیوند با من را قطع کند از او بیتر! در این فراز، دعا و نفرین درباره صله رحم است.

مسلمان باید چه کاری انجام دهد تا صله رحم به حساب بیاید. متأسفانه در این زمینه ها به اندازه باب طهارت و صلاة، آثار تألیفی و کتاب نوشته نشده است.

نماز شب را به خاطر مادر قطع کن!

یکی از واجبترین واجبات شرعی که در قرآن و روایات فراوان مورد تأکید قرار گرفته است وجوب احترام و حرمت آزار والدین است. هرگونه رفتار فرزند که موجب ناراحتی و آزرده شدن پدر و مادر را فراهم سازد، حرام است. ممکن است مطرح شود بعضی از پدر و مادرها توقعات فراوانی دارند، یا با محیط آشنا نیستند و یا شرایط زندگی امروز را نمی دانند. برآورده ساختن همه خواسته های والدین با شرایط زندگی امروز ممکن نیست.

به ویژه آنکه اگر پدر و مادر از سواد پایینی برخوردار و از احکام دین کم اطلاع باشند. باید به گونه ای با تدبیر رفتار نمود تا این توقع در آنها ایجاد نشود. در برخی موارد با زمینه سازی و فراهم کردن مقدماتی می توان این مشکل را حل نموده و رضایت آنان را به دست آورد. در برخی موارد نیز نباید برای والدین توقع ایجاد کرد. هنگامی که انسان می داند شرایط برآوردن خواسته های آنان را ندارد، نباید با

مطرح کردن آنها از جانب خود، آن توقعات را در والدین ایجاد کند.

آن چه که فقها و علمای اسلام همه بر آن نظر واحد دارند، حرمت آزار است. البته در مورد میزان اطاعت از والدین اختلاف وجود دارد، تا جایی که برخی فقها گفته اند اگر انسان در حال قنوت وتر نماز شب باشد و مادرش او را صدا بزند و از او یک لیوان آب درخواست کند، واجب است فرزند نماز را قطع کرده و به مادر آب برساند. چرا که قطع نماز مستحبی اشکال نداشته و حرام نیست (البته در نماز واجب حرام است). برخی از فقها از این سخن نیز فراتر گفته اند و بر این نظرند که اگر در حال نماز مستحبی، مادر فقط نام فرزند خود را صدا زد و چیزی درخواست ننمود، فرزند باید نماز مستحبی را قطع و به مادر خود پاسخ دهد.

در اسلام تا این اندازه رعایت ادب در حضور پدر و مادر سفارش شده است. با این وصف باید برای نسل کنونی اینگونه احکام را روشن و آشکارا تبیین نمود که در کجا و چه شرایطی باید سخن والدین اطاعت شود و در کجا می توان از آن سر باز زد؟ در پاسخ باید گفت در جایی می توان از اطاعت والدین سر باز زد که مخالفت با پدر و مادر موجب ایذاء و آزار آنان نشود. برای اینکه ایذاء حرام است و انسان نباید با والدین مخالفت کند مگر آنکه بتوان از آنان رفع آزردهی نمود و رضایت آنان به دست آید. ممکن است سوال شود که آیا لازمه احسان به والدین کمک مالی است؟ قطعاً کمک مالی استحباب دارد و از بهترین مستحبات است، به ویژه اگر والدین نیاز مالی داشته باشند.

اگر فرزند از جهت مالی امکان کمک را داشته باشد واجب است که به پدر و مادر کمک نماید تا نیاز آنان رفع شود. در اینجا گفته می شود که پدر و مادر واجب النفقه، می شوند. اما اگر نیاز آنان تأمین شده باشد، برای رفاه بیشتر آنها مستحب است تا به والدین کمک نماید. البته این مستحب، بسیار مؤکد است.

نگویند از خویشان جدا شده اید!

شبهه این مسائل درباره رحم و نزدیکان نیز مطرح می شود. انسان باید با خویشاوندان و نزدیکان خود پیوند داشته و صله رحم بکند. «صله»؛ از ماده «وصل»؛ است مثل «عده»؛ و «وعد»، یعنی رابطه باید محفوظ باشد تا پیوند برقرار باشد. انسان باید با خویشاوندان خود چه پدر و مادر که در درجه اول هستند و چه خویشاوندان درجه بعد همچون خواهر، برادر، عمو، عمه، خاله، دایی و بچه های آنان ارتباط و پیوند داشته باشد. نباید به گونه ای باشد که از جهت عرفی گفته شود شخص از خویشاوندان خود جدا شده است.

در این صورت به فتوای همه فقها چنین کاری حرام و قطع رحم به شمار آمده و قطع رحم از گناهان بزرگ است. با این وجود هیچ کتاب فقهی حد و مرز صله رحم را تعیین نکرده است و از جهاتی، تشخیص چنین اموری که فقهاء، خیلی به آن نپرداخته اند، به عرف واگذار شده است.

یعنی انسان در محیط و شرایط اجتماعی که زندگی می کند به میزان دوری و نزدیکی به خویشان و نزدیکان، باید احوال آنان را جویا شده و با آنان ارتباط داشته باشد. به ویژه آن که با پیشرفت امکانات و وسایلی همچون ارسال نامه از طریق پست، تلفن و دیگر امکانات این کار بسیار آسان شده است. اگر به گونه ای شد که عرف جامعه بگویند که شخص از خویش و قوم؛ جدا شده و قطع رحم کرده است، قطعاً انسان کار حرامی مرتکب شده است.

علاوه بر وجوب صله رحم، احتمال وجوب کمک مالی به رحم نیازمند و مستحق نیز وجود دارد. ممکن است مطرح شود که آیا حفظ ارتباط با خویشاوندان مخصوص مؤمنین است یا خویشاوندان و نزدیکانی که رعایت احکام شرعی را نمی کنند، شامل این حکم نمی شوند؟ به عنوان نمونه حجاب را رعایت نمی کنند یا در مراسم خود موسیقی حرام پخش می کنند. در چنین حالتی انسان باید با تدبیر، فرصتهای کوتاهی را برای دید و بازدید قرار دهد. البته باید به گونه ای باشد که انسان به حرام مبتلا نشود.

در صورت امکان چنین کاری، رابطه دید و بازدید حضوری را ترک نکند. اگر چنین امکانی را نداشت باید به وسایلی همچون تلفن، مکاتبه، پیغام و هدیه اکتفا بکند.

صله رحم با اهل فسق

راتر از این سؤالی که بسیار مطرح می شود این است که آیا مراوده با کسانی که رعایت احکام شرعی نمی کنند یا اهل فسق و معصیت هستند، جایز است یا خیر؟ شرط نخست آن است که انسان باید مراقب باشد تا در این رفت و آمدها، ضرر و آسیب معنوی و شرعی نبیند. یعنی باعث نشود تا خود نیز مبتلا به فسق شود.

شرط دوم آن است که حضور انسان، منجر به تأیید کار فسق آنها نشود. در برخی موارد ممکن است حضور در مجلس فسق، کارهای

خلاف شرع حاضران در جلسه را تأیید کند. حضور انسان ممکن است این تصور را ایجاد کند که حاضرین با خود بگویند که: «حتماً کار فسق ما خیلی کار بدی نیست، در غیر این صورت این فرد مؤمن اینجا نمی آمد.»؛ در صورتی که انسان از رابطه آسیب؛ نبیند و کار حرام آنها را نیز تأیید نکند، باید صله رحم کرد.

چه بسا همین رفت و آمد افراد مؤمن به خانه اهل فسق و معصیت، به تدریج باعث خوش بینی آنان به اهل ایمان شده و منجر به اصلاح آنان شود. البته در ارتباط؛ با اهل فسق و معصیت، باید از روش های صحیح معقول، حسن خلق، رفتارهای حساب شده، پرهیز از رفتارهای تند و خشن، استفاده نمود. به این امید که این رفت و آمدها زمینه ای فراهم کرده تا آنها متنبه بشوند. اگر این گونه باشد، وجوب مضاعف می شود.

هم صله رحم واجب است و هم نوعی امر به معروف و نهی از منکر غیر مستقیم به حساب می آید. البته باید توجه داشت تا در این ارتباط ها نوجوانان به معصیت و فسق چنین خانواده هایی آلوده نشوند و از رفت و آمد و صله رحم، تأیید و همراهی با معصیت آنان برداشت نشود.